



● باز نویسی قواعد بازی

اشـاره در ۲۷ بهمن ۱۳۷۰ زمانی که «سیدعباس موسوی» دبیر کل حزب الله برای سخنرانی در مراسم یکی از شهدا رفته بود، در مسیر بازگشت، بالگرد اسرائیلی، خودروی حامل وی را در منطقه‌ای بین روستای «جیشیت» و «نی شیت» به نام «تفاحتا»، مورد هدف راکت‌های خود قرار دادند. در این حادثه، سیدعباس موسوی به همراه همسر و کودک پنج ساله‌اش به شهادت رسیدند. پس از این ترور، «اسحاق رایین» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اظهار داشت: «بعد از کشته شدن خانواده موسوی، حزب الله قواعد بازی را عوض کرد.» تصور غلط آن‌ها این بود که رهبری حزب الله از بین خواهد رفت و این، پایان مقاومت خواهد بود. طولی نکشید که سیدحسین نصرالله به عنوان دبیرکل جدید و عماد مغنیه مسئول عملیات حزب الله شد. عماد از آن به بعد، نام «حاج رضوان» را برای خود انتخاب کرد. تا قبل از شهادت سیدعباس موسوی، قاعده چنین بود که اسرائیل می‌توانست حملات خونباری به هر نقطه در لبنان را ترتیب دهد و در پاسخ، حزب الله فقط سرزمین‌های اشغال شده جنوب لبنان را هدف قرار می‌داد، اما بعد از شهادت سیدعباس و خانواده‌اش، حزب الله حملات اسرائیلی‌ها را با پرتاب راکت به سمت شهرهای شمالی اسرائیل پاسخ می‌داد. یک ماه بعد، در ۱۷ مارس ۱۹۹۲ (۲۷ اسفند ۱۳۷۰) اتفاق مهمی رخ داد. در این حادثه، سفارت اسرائیل در بوینس آیرس آرژانتین مورد حمله قرار گرفته و منفجر شد که طی آن ۲۹ نفر کشته شدند. اسرائیلی‌ها این عملیات را پاسخی به ترور سیدعباس موسوی قلمداد کرده و بدون هیچ سند و مدرک مستدلی، عماد مغنیه را طراح و عامل اصلی این عملیات برشمردند.

تمام شد، نیروهای حزب الله رگباری از راکت را به سمت الجلیل پرتاب کردند. آن‌ها برای پنج روز شمال اسرائیل را بمباران کردند. با این اقدام آن‌ها، فعالیت در آن مناطق متوقف شد و اکثر مردم به پناهگاه‌ها رفتند. این قدرت شلیک بیش از تمام بمبارانی بود که حزب الله از زمان تأسیس تا آن زمان انجام داده بود. تنها یک نفر کشته شد، اما پیامی که نصرالله و مغنیه به اسرائیل دادند، مشخص بود. از آن زمان به بعد، هر اقدامی علیه حزب الله

حزب الله به جای این که گروهی چریکی باشد که به طور مداوم دست به جنگ نامتقارن بزند، صرفاً به خطری گاه و بی‌گاه برای مرز اسرائیل تبدیل شود. گاهی اوقات چند سرباز - اکثراً از افراد SLA - کشته می‌شدند، اما این از دید IDF بهتر از مواجهه تمام عیار با نیروهای حزب الله بود. در آن زمان نصرالله به عماد مغنیه دستور دیگری داده بود و موضوع انتقام نیز مطرح بود. به محض این که مراسم تدفین رهبرشان (سیدعباس موسوی)

بعد از ترور موسوی، اولویت‌ها تغییر کرد. برای نصرالله مواجهه با دشمن جنوبی (اسرائیل) به اولویت اصلی تبدیل شد. فردی که نصرالله به او دستور داد تا سیاست جدید را اجرایی کند، عماد مغنیه رئیس امور نظامی حزب الله بود. او ایدئولوگ جنگ‌های چریکی بود که جهاد اسلامی را ایجاد کرد، همان فردی که بمب‌گذاران شهادت طلب را برای نابودی سربازخانه‌ها و آپارتمان‌هایی که توسط نیروها و دیپلمات‌های آمریکایی، فرانسوی و اسرائیلی اشغال شده بود، اعزام کرد. کسی که اسرائیلی‌ها در اوایل دهه هشتاد میلادی حتی قادر نبودند مکان او را شناسایی کنند. منیر داگان [رئیس وقت موساد] گفت: «عماد مغنیه مسئول قدرت نظامی حزب الله بود. به خاطر او و گروهی از مأموران نزدیک به او، این سازمان به تهدیدی استراتژیک برای دولت اسرائیل تبدیل شد.»

اسرائیل در سال ۱۹۸۵ برای دفاع از مرز شمالی خود، منطقه امنیتی ایجاد کرده بود که شامل نوارهای اراضی جنوب لبنان می‌شد و توسط IDF کنترل می‌شد. هدف این بود که نیروهای دشمن تا حد امکان از خانه‌های شهروندان اسرائیلی دور باشند و مواجهه با آن‌ها منحصر به اراضی لبنان بماند. به علاوه، اسرائیل برای حفاظت از جان سربازان خود، شبه‌نظامیان نیابتی به نام ارتش جنوب لبنان (SLA) را تأسیس کرد. SLA از مسیحیان روستاهای منطقه تشکیل می‌شد که دشمن حزب الله و فلسطینی‌های حاضر در لبنان بودند. استفاده از SLA باعث شد تا

۱. IDF عبارت مخفف سرواژگان انگلیسی ارتش اسرائیل است.